

نقش محور مقاومت در تحولات امنیتی ساختار ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا

سیدمحمدجواد پدی فرد^۱

عطاءالله عبدی^۲

حسین ربیعی^۳

داود غرایاقی زندی^۴

علی جهانشاهی^۵

چکیده

محور مقاومت در جنوب غرب آسیا، که به عنوان یک بازیگر قدرت و در قالب یک نیروی ژئوپلیتیکی، در کنش‌ها و برهم کنش‌های منطقه‌ای، مؤثر است، در مناسبات قدرت، موجب دگرگونی و پویایی تحولات امنیتی منطقه شده است. این پژوهش بر آن است تا با بررسی نقش محور مقاومت در تغییرات و تحولات امنیتی منطقه، ارزیابی و چشم‌انداز واقع‌بینانه از جایگاه محور مقاومت در هرم قدرت و امنیت منطقه و نیز چگونگی وضعیت آن در امنیت‌سازی و برقراری امنیت پایدار، ترسیم شود. چراکه محور مقاومت، با اقدامات و راهبردهای خود، توانسته است خود را به عنوان بازیگر اصلی، مهم و اساسی در منطقه جنوب غرب آسیا، معرفی کند و نقش مهمی در قطبش قدرت و موازنه امنیتی و تعادل قوا و تهدید داشته باشد؛ از این رو می‌تواند در همه معادلات و مناسبات قدرت و امنیت، در هرم قدرت منطقه، نقش مطلوبی را احراز کند؛ لکن ضروری است برای تداوم توسعه خود، در حوزه گفت‌وگو، بزرگداشت و بهره‌برداری از انطباق ژئواکونومیکی و ژئوکالچری و تقویت بازدارندگی، فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف این محور شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد؛ از این رو در این پژوهش، در قالب پارادایم تفسیری و به روش کیفی، ضمن جمع‌آوری اسناد و مدارک و مطالعه منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعداد ۲۷ نفر از نخبگان و صاحب نظران انجام شده و با استخراج داده‌ها، شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و ابعاد موضوع، جایگاه، نحوه سیاست‌گذاری، راهبردها و وضعیت کنونی محور مقاومت در قبال تحولات امنیتی ساختار ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، تبیین شده است.

واژگان کلیدی:

محور مقاومت، امنیت، تحولات امنیتی، ساختار ژئوپلیتیکی، جنوب غرب آسیا

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران - ایران. Seyyedifard@Khu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران - ایران (نویسنده مسئول). Ataabdi@Khu.ac.ir

۳. دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران - ایران. Rabiee@Khu.ac.ir

۴. دانشیار علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی - ایران. d_zandi@sbu.ac.ir

۵. استادیار مدیریت راهبردی نظامی دانشکده فرماندهی و ستاد آجا - ایران.

جستار گشایی

منطقه و نوار شکننده جغرافیایی غرب و جنوب آسیا به عنوان پیوندگاه سه قاره جهان که ساختار ژئوپلیتیکی منطقه ای آسیای جنوبی را کامل می کند، بخش غربی هلال بی ثباتی در حوزه ژئواستراتژیک هارتلند اوراسیاست (کوهن، ۱۳۸۷: ۶۵۴). از آنجایی که در یک ساختار ژئوپلیتیکی، نیروهای مؤثر بر الگوها و عناصر تشکیل دهنده آن، مسائل گوناگون از جمله مسائل امنیتی را تحت تأثیر قرار می دهند، برای واکاوی نقش این نیروها در یک منطقه، باید همه جوانب و ارتباطات ژئوپلیتیکی را بررسی کرده و کنش ها و برهم کنش های متصور را مورد مطالعه قرارداد تا بتوان چشم انداز و آینده پیش رو در مناسبات قدرت و امنیت را ترسیم کرد (همان: ۷۷-۷۸). در مرز شرقی این منطقه (جنوب غرب آسیا)، ایران به عنوان یک کانون زیرمنطقه ای قدرتمند و مستقل ژئوپلیتیکی، پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش، به گونه ای نظم و ساختار ژئوپلیتیکی منطقه را تحت تأثیر قرار داده و به نوعی موجب استقرار نظم و ساختار نوین ژئوپلیتیکی و متعارض بانظم گذشته شد که این رخداد (انقلاب اسلامی ایران) سبب تنازع و هموردی بین ایران و سایر قدرت های مخالف، در سطح منطقه شد. در مقابل ایران، اعراب، رژیم صهیونیستی، ترکیه و جریانات قومی-مذهبی و بنیادگرا، و نیز نیروهای خارجی اثرگذار، مانع تحول و توسعه و امنیت پایدار مبتنی با نقش آفرینی ایران در منطقه هستند. در نتیجه این هموردی و تنش در منطقه، محور مقاومت به عنوان یک اتحاد سیاسی با ماهیت ایدئولوژیک، رسماً با مقابله سیاسی، نظامی و امنیتی با محور رژیم صهیونیستی - آمریکایی و متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای آنها، وارد عرصه رقابت شد و عملاً به عنوان یک نیروی اثرگذار در ساختار ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا نقش آفرینی کرده است (رسولی ثانی آبادی و دیگران، ۱۱۳-۱۳۴: ۱۳۹۸). محور مقاومت به عنوان یک بازیگر در فرایندهای ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا، نقش نیرویی اثرگذار را ایفا می کند که با تحول در امنیت و موجودیت ساختار ژئوپلیتیکی منطقه، نظم نوین منطقه ای و توازن قدرت جدید در سطح و مقیاس منطقه را دنبال کرده است. آنچه دغدغه کلی و جای سؤال است این است که در یک نظام جهانی با ماهیت دیالکتیک و سیال که ساختارهای ژئوپلیتیکی آن تحت تأثیر نیروهای مرکزگرایز و نیروهای مرکزگرا تحول یافته، شکل می گیرند و دگرگون می شوند؛ این نیروها در بازی قدرت و تحولات امنیتی در سطوح مختلف ژئوپلیتیکی، چه نقشی دارند و میزان اثربخشی نیروها در فرایند موازنه قوا و برقراری امنیت، چقدر است؟ با توجه به آنچه گفته شد مسئله پیش رو را می توان این گونه بیان کرد که محور مقاومت به عنوان یک نیروی اثرگذار چه تأثیر و نقشی را در امنیت و موجودیت ساختار ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا، ایفاء می کند و اینکه ساختار و نظم ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا از عملکرد امنیتی محور مقاومت، چه اثری می پذیرد؛ به عبارت دیگر محور مقاومت به عنوان یک متغیر مستقل و در قالب ناحیه سیاسی - فضایی پراکنده و چندپاره، چه تأثیری در ایجاد و توسعه امنیت پایدار و تحولات امنیتی منطقه به عنوان یک متغیر وابسته، ایفا نموده است. برای این منظور ضروری است

ماهیت و علل شکل‌گیری این محور بررسی شده و عملکرد آن در حوزه امنیتی، سنجیده شود و سپس میزان و چگونگی اثربخشی این عملکرد در تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه ارزیابی گردد.

آنچه در رابطه با ضرورت پژوهش می‌توان گفت این است که چنانچه نقش محور مقاومت که با رویکرد تجدیدنظرطلبی انقلابی عملاً سطوح ساختاری نظام جهانی را در منطقه مستقل ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، با چالش و تعارض نسبت به حوزه ژئواستراتژیک جهانی مواجه کرده است، شناسایی نشود؛ نمی‌توان چشم‌انداز مطلوبی را در خصوص میزان تأثیر آن بر امنیت‌سازی منطقه‌ای، امنیت ملی ایران، وزن و منزلت ژئوپلیتیکی ایران ترسیم نمود و از سوی دیگر اهمیت این پژوهش از آن جهت است که به‌واسطه شناخت ماهیت و نحوه عملکرد محور مقاومت در گذشته، حال و آینده و نیز شناسایی نقش و چگونگی فعالیت این محور در فرایند امنیت‌سازی منطقه‌ای و موازنه قوا در ساختار ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، می‌توان بهره مناسب را از نقش‌آفرینی آن برای ارتقاء امنیت ملی و جایگاه امنیتی مطلوب در منطقه، برده و نظم امنیتی ایران محور در منطقه را به‌واسطه حضور و فعالیت محور مقاومت، ترسیم کرد.

با توجه به آنچه بیان شد، هدف این پژوهش، شناخت نقش محور مقاومت در وضعیت امنیت منطقه جنوب غرب آسیا و فرایند امنیت‌سازی در آن است و بر پایه این فرضیه که، محور مقاومت به‌عنوان بازیگر اصلی قدرت و امنیت در منطقه، باعث ورود بازیگران و قطب‌بندی‌های جدید امنیتی در کنش‌های ژئوپلیتیک منطقه شده و به نظر می‌رسد تحولات امنیتی منطقه پویاتر شده است، این سؤال مطرح است که، نقش محور مقاومت در تحولات امنیتی منطقه جنوب غرب آسیا و برقراری امنیت پایدار منطقه‌ای، چیست؟

پیشینه این پژوهش، دارای دو بُعد کلی است. بُعد اول به تحولات، پویایی، امنیت و موجودیت ساختارهای ژئوپلیتیکی و جایگاه امنیت در آن می‌پردازد و بُعد دوم، نقش‌آفرینی محور مقاومت در امنیت ساختار ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا را بررسی می‌کند. در مروری که صورت گرفته است، محور مقاومت از زوایای مختلفی موردبررسی و کنکاش بوده و هویت، ماهیت، علل وجودی و ضرورت‌های وجودی آن در منطقه جنوب غرب آسیا به لحاظ گفتمانی و نیز از منظر نظریاتی همچون موازنه قوا، تبیین شده است.

همچنین راهبردها، فرصت‌ها، نقاط قوت و ضعف و سیاست‌های قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای (رقیب و دوست) در قبال آن مورد مطالعه قرار گرفته است اما آنچه به‌طور جدی و از منظر روش‌شناسی، به‌صورت علمی و مدون به آن پرداخته نشده است، اثرگذاری محور مقاومت در فرایند ساختار ژئوپلیتیکی و نظم منطقه‌ای جنوب غرب آسیا، از منظر امنیتی است. به عبارت دیگر اینکه محور مقاومت در امنیت و موجودیت و تحولات امنیتی منطقه جنوب غرب آسیا چه تأثیری دارد و آیا حضور و فعالیت آن سبب ارتقاء و پایداری امنیت می‌گردد یا خیر، امری است که مغفول مانده و تاکنون موردبررسی و تبیین علمی واقع نشده است. در زیر، به برخی از پژوهش‌های انجام شده در خصوص محور مقاومت، اشاره می‌گردد:

۱- باقر سلیمانی در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت و چگونگی حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت با تأکید بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی» به محور مقاومت از دو منظر ائتلاف ژئوپلیتیکی و نیز گفتمانی، نگاه شده است و ضرورت‌های حمایت از آن بررسی شده است (سلیمانی، اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۵)؛ اما دلیل فلسفی و ژئوپلیتیکی برای ضرورت وجود محور مقاومت و یا حمایت از آن برای دستیابی به امنیت پایدار، تبیین نشده است.

۲- مصطفی قربانی در مقاله‌ای با عنوان «راهبردنگاری نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت اسلامی با تحلیل SWOT» فلسفه و ضرورت وجود محور مقاومت را تا حدودی تبیین کرده است. (قربانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۱)؛ اما نقش آن و چگونگی کارکرد آن در امنیت ساختار ژئوپلیتیکی منطقه، مغفول مانده است.

۳- محمد مبینی در مقاله‌ای با عنوان «دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری سیدحسین نصرالله و تأثیر آن بر امنیت محور مقاومت» به عوامل اثرگذار بر امنیت محور مقاومت، به‌صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از بررسی متغیرها در رگرسیون، اشاره کرده است (مبینی، قاسمی، ۱۳۹۸: ۶۶)؛ لکن به‌ضرورت وجودی، نقش امنیتی محور مقاومت و همچنین تأثیر آن در ساختار ژئوپلیتیکی منطقه، اشاره‌ای نشده است.

۴- بهزاد قاسمی در مقاله‌ای با عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی» ارتباط عمیق بین محور مقاومت و گفتمان انقلاب اسلامی و اثرگذاری انقلاب در محور مقاومت را تبیین کرده است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۳)؛ لکن ارتباط امنیت پایدار با ژئوپلیتیک محور مقاومت، تبیین نشده است. از طرفی این پژوهش اشاره‌ای به ساختار ژئوپلیتیکی منطقه و اثرپذیری امنیتی آن از محور مقاومت نکرده است.

مبانی نظری و مفاهیم

مفاهیم

ساختار ژئوپلیتیکی:

ساختار ژئوپلیتیکی مفهومی است که از دو بُعد برخوردار است، یکی بُعد روابط قدرت و دیگری بُعد فضایی. در ساختارهای ژئوپلیتیکی، بُعد فضایی با بُعد روابط قدرت پیوند خورده و بر یکدیگر انطباق می‌یابند. ساختارهای ژئوپلیتیکی اساساً از پایداری برخوردار نیستند بلکه این ساختارها دینامیک هستند. ساختارهای ژئوپلیتیکی هم از بُعد روابط و هم از بُعد فضایی در حال تغییر و جابه‌جایی هستند که تاریخ جهان مبین این واقعیت است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۳-۱). ساختار ژئوپلیتیکی منعکس‌کننده الگوهای روابط بین دولت‌ها و کشورها بر اساس سطح قدرت آن‌ها است. این ساختار در قلمروهای جهانی و منطقه‌ای

قابل شناسایی است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۱) گردهم‌آمده و صرف‌نظر از نحوه شکل‌گیری آن‌ها، ضرورتاً از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که مهم‌ترین آن یکپارچگی جغرافیایی و همچنین اصل هم‌تکمیلی کارکردی^۱ است (Heidari, 2005: 22).

امنیت:

از زمانی که کنش و منش آدمی، سرشتی قلمرومحور یافت، امنیت دست‌کم از منظر کاربردی در کانون توجه باشندگان و قلمروداران قرار گرفت (کاویانی‌راد، ۱۳۹۷: ۲۱). امنیت از مهم‌ترین عوامل و عناصر تعیین‌کننده در یک منطقه است (مجتهدزاده، ۱۴۰۰: ۱۳۲). امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و مقدمه لازم برای حیات سیاسی و اجتماعی دولت‌ها به شمار می‌آید (Nekola, 2014: 3) و به‌طور سنتی مترادف با امنیت ملی و با دو هدف اصلی نگریسته شده است: ۱- پاسداشت یکپارچگی سرزمینی کشور ۲- حفظ حکومت با استفاده از ابزارهای سیاسی - نظامی (kirchner and tiroch, 2012: 370). از منظر تاریخی تهدیدهای امنیت ملی بیشتر گواه بر حمله مسلحانه خارجی توسط دولت‌ها در برابر هم تفسیر شده است (Busby Jushua, 2009: 3) و در گذشته به حفاظت از مرز و سرزمین از تهدیدهای خارجی با استفاده از قدرت نظامی مربوط می‌شد (Abatudu, 2001: 10) اما کاربرد کنونی آن ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا متداول گردید و تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث کارایی بیشتر آن شد. سلطه‌گری به همراه تهدیدهای غیرنظامی شامل تخریب محیط، فقر، مهاجرت‌های اقتصادی، مناقشات بر سر منابع، گسترش مواد مخدر و... مباحث جدیدی در مورد معنی امنیت پدید آورد (Jolly & Basuray, 2007: 457). از نگاه برخی دیگر از صاحب‌نظران، راهبردهای دستیابی به امنیت پایدار عبارت‌اند از:

- بازسازی مرجعیت امنیتی مردم‌نهاد.
- استحکام نرم‌افزاری و سخت‌افزاری اصول امنیت پایدار.
- استقرار نظام آموزشی اعتلایی ارتقایی.
- مهندسی سازوکار سنجش ریاضی رفتار.
- تحقق شاخص‌های نام کارگزاری در انتصاب مسئولان.
- پالایش گرایش‌های انحرافی و تخدیری.
- تبیین وابستگی معیشت و امنیت پایدار (لطیفیان، ۱۳۹۱: ۵۴).

در تعریف امنیت منطقه‌ای، عنصر اصلی که باید به روابط قدرت افزوده شود، الگوی دوستی، دشمنی بین دولت‌هاست. منظور از دوستی اینکه در روابط آن‌ها، طیفی متشکل از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. منظور از دشمنی نیز روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم

باشد (بوزان، ۱۳۹۰: ۲۱۵). بر اساس مکتب کپنهاک، بوزان، امنیت را در حوزه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌محور و زیست‌محیطی، گسترش می‌دهد و معتقد است تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها می‌توانند در حوزه‌های مختلف رخ دهند لکن برای اینکه امنیتی به حساب آیند باید منطق با سنجه‌های امنیتی باشند (Buzan, 1998: 5). اگر به مسئله «امنیت» در قالب امنیت ملی و امنیت دولت‌ها بنگریم، سه چشم‌انداز منطقه گرا، جهان گرا و نورئالیست، اصلی‌ترین چشم‌اندازهای ساختار امنیت بین‌المللی پس از جنگ سرد هستند (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۷). با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان گفت عوامل و نیروی‌های متعدد جغرافیایی، سیاسی و ژئوپلیتیکی، با تأثیر بر امنیت ساختارهای ژئوپلیتیکی، در آینده و چشم‌انداز مناطق و ساختارها، نقش‌آفرینی می‌کنند.

محور مقاومت:

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش و خروج ایران از بلوک غرب و انتخاب مشی مستقل، معادلات استراتژیک منطقه دگرگون گشت و تعارضات ایدئولوژیک و استراتژیک عمیقی در بین قدرت‌های منطقه به وجود آمد و با توجه به تحولات ساختار ژئوپلیتیکی منطقه، بهار عربی، بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران، راهبردهای امنیتی منطقه تغییر کرد (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۷) و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان تنها قدرت منطقه‌ای که از تغییر نظم پیشین در غرب و جنوب غرب آسیا سود می‌برد، درصدد برآمد تا از میزان نفوذ غرب؛ به‌ویژه آمریکا، بکاهد و این امر ناخودآگاه موجب کاهش ضریب امنیتی کشورهای محور سازش در برابر محور مقاومت گردید (Friedman, 2011: 1)؛ بنابراین محور مقاومت به‌عنوان جزء اصلی دکترین امنیتی ایران تبدیل گردید (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۱۳-۱۷). به تعبیری دیگر برای ایران، محور مقاومت ستون راهبرد منطقه‌ای‌اش و به تعبیری ماهیت و سرشت رابطه‌اش با دولت‌های غربی تعریف می‌شود. برعکس همین مورد هم نسبت به غرب اعمال می‌شود و برای آمریکا، ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان و حماس به‌عنوان اعضای یک بلوک متخاصم منفرد تلقی می‌گردند (Soltaninejad, 2018: 1). حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت اسلامی در منطقه، اگرچه در ابتدا ماهیتی ایدئولوژیک داشت اما با افزایش حضور و فعالیت سایر قدرت‌ها، به‌تدریج سویه‌های امنیتی - ژئوپلیتیکی - ژئواستراتژیک یافته است (قربانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۱). آن‌گونه که مستندات موجود در ارتباط با محور مقاومت و تاریخ پیدایش و روند دگرگونی‌های آن نشان می‌دهد این محور در اصل و اساس ماهیتی دوگانه دارد. یعنی ترکیبی از تعهدات ایدئولوژیک و بایسته‌های ژئواستراتژیک. چراکه این محور مبتنی بر کلیدواژه مقاومت در برابر اشغالگری رژیم صهیونیستی، دفع حملات و تجاوزات آن و درنهایت بیرون کردن آن از سرزمین‌های اشغالی، شکل گرفته است (Colucci, 2018). گفتمان انقلاب اسلامی ایران با سیاست صدور و انتشار خود توانست در مدت کوتاهی سایر کشورهای جهان اسلام را تحت تأثیر خود قرار دهد و پس از سقوط حزب بعث عراق (صدام) در

سال ۲۰۰۹ میلادی، جریان‌ها و احزاب اسلامی-شیعی به‌صورت سرزمینی به یکدیگر متصل شدند و از تهران تا لبنان و غزه یک کمربند جغرافیایی را تحت عنوان محور مقاومت شکل دادند. در ادامه نیز ملت‌های بحرین، شیعیان عربستان و یمن در صف محور مقاومت اسلامی-شیعی قرار گرفتند تا در نهایت با شکل‌گیری یک هارتلند فرهنگی منطبق با هارتلند جهان، منافع قدرت‌ها؛ به‌ویژه غرب به چالش کشیده شود و درواقع به‌واسطه انقلاب اسلامی ایران و شکل‌گیری محور مقاومت، شاهد تشکیل یک ژئوپلیتیک چندلایه ژئوکالچری-ژئوآکونومیکی و سیاسی-امنیتی در منطقه جنوب غرب آسیا هستیم (متقی، رشیدی، ۱۳۹۲: ۲۵).

منطقه جنوب غرب آسیا:

منطقه جنوب غرب آسیا، گستره‌ای جغرافیایی است از خلیج فارس تا دریای مدیترانه و دارای موقعیت استراتژیک، تنوع قومیتی و منابع عظیم نفت و گاز که به عرصه تعارضات دائمی منطقه‌ای تبدیل شده است (خراسانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۵۷). در این منطقه، الگوی دوست و دشمنی موجود میان بازیگران منطقه‌ای و وابستگی متقابل آنان به یکدیگر در مجموعه امنیتی، موجب پیوندهای امنیتی مشترک هریک از اینان، در منازعه و کشمکش دائمی، قطبیت حاکم در منطقه را رقم زده است (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۳۸).

این منطقه به دلیل نبود ساختار منسجم سیستمی در برابر فشارها، شکننده و به‌شدت تحت تأثیر کارکردهای قدرت‌های هژمونیک بین‌المللی است که با مداخله قدرت‌های بزرگ خارجی، پیچیدگی‌های امنیتی آن، چند برابر شده است. وابستگی متقابل امنیتی قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه و بازیگران منطقه‌ای، الگوهای همکاری و یا عدم همکاری را ترسیم می‌کند که بسیاری از این جبهه‌بندی‌ها به دشمنی با همسایگان می‌انجامد. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۰). همچنین تشکیل رژیم صهیونیستی در منطقه شامات، مناسبات امنیتی منطقه را تحت تأثیر قرار داده و کشورهایی مانند اردن، لبنان، سوریه، عراق و حتی بازیگران غیردولتی مانند ساف، حماس حزب‌الله را درگیر کرده است (همان).

از سوی دیگر وجود اقوام مختلف در منطقه با پس‌زمینه‌های رقابت تاریخی، قومی، مذهبی و تعارضات هویتی، بستر ساز تعارضات امنیتی بوده به گونه‌ای که رقابت‌های ژئوپلیتیک بازیگران در منطقه، از طریق بازتولید مفاهیم و تحریک گروه‌های ایدئولوژیک، دنبال می‌شود (حشمت زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۲). هویتی شدن سیاست در آسیای جنوب غربی، فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی خاص خود را برای اهداف ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. حال اگر هویت بر اساس نشانه‌های کنش‌های راهبردی محور مقاومت شکل گیرد، زمینه برای ظهور سازوکارهایی به وجود می‌آید که مطلوب ایران است و از سوی دیگر ظهور هویت‌های ناسازگار به معنای بروز چالش‌های امنیتی اجتناب‌ناپذیر است (آل غفور، ۱۳۸۰: ۱۷). به‌طورکلی حوزه آسیای جنوب غربی، مبتنی بر نشانه‌هایی از تهدید، بحران و تعارض است که زمینه‌ای برای افزایش تضادهای سیاسی و راهبردی کشورها محسوب می‌شود. که در آن طیف گسترده‌ای از بازیگران می‌توانند روندهای منازعه را شکل دهند درحالی‌که قادر به امنیت‌سازی، موازنه و ثبات پایدار در محیط منطقه‌ای نخواهند بود. (خراسانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۷۱).

مبانی نظری و مدل مفهومی:

توازن قوا در ذات خود نوعی نظم بین‌المللی است. یک سیستم زمانی منظم است که همه اجزاء آن بر اساس الگوی خاصی در یک مجموعه منسجم با یکدیگر ارتباط داشته باشند. این نظم زمانی ایجاد خواهد شد که همه رفتارها از درجه بالای پیش‌بینی‌پذیری برخوردار بوده و الگوهای منطقی و سازگار با مجموعه، برقرار باشد. در یک مکانیسم و ساختار بین‌المللی، نظم هدفمند و مبتنی بر قانون جاری است که به‌صراحت در ارزش‌های اجتماعی و سیاسی پذیرفته و نهادینه شده است. معادلات قدرت، به‌مثابه یک نظم نهادینه شده در ساختارهای منطقه‌ای و جهانی عمل می‌کنند. بازیگران در فرایند موازنه قدرت، توسط سیستمی محدود مهار می‌شوند که محصول همکاری ناخواسته آن‌هاست. در این فرایند، اساساً سه الگو و دستورالعمل بین‌المللی وجود دارد. الف) مذاکره و تعامل قدرت‌ها: در این نظم، هژمون برتر، به مدیریت ساختار می‌پردازد لکن از اعمال قدرتش خودداری می‌کند. ب) تحمیل قدرت: در این دستورالعمل، هژمون برتر به‌واسطه قدرت خود، نظم دلخواه را بر ساختار موجود، تحمیل می‌کند. ج) نظم خودبه‌خودی: در این الگو، به‌صورت ناخواسته و به‌واسطه اقدام بازیگران برای توسعه نفوذ و قدرتشان است که یک سیستم خودکار بوده و نتیجه تقابل قدرت‌هاست و محدود شدن آن‌ها، توسط یکدیگر رخ می‌دهد (Schweller, 2016: pp 1-16). در یک نظام آنتروپیک بین‌المللی عامل سیاسی عمده در معمای قدرت - امنیت، به انگیزه نقش‌آفرینان و تفکیک سنتی بین دولت‌های طرفدار وضع موجود و دولت‌های تجدیدنظرطلب مربوط می‌شود. به گونه‌ای که چنانچه دولت‌های تجدیدنظرطلب به‌طور مداوم علیه سلطه قدرت‌های طالب وضع موجود فعالیت کنند، تلاش برای قدرت به‌صورت چالشی محوری برای امنیت ملی ظاهر می‌شود. اگر ثبات، هدف امنیتی طرفداران حفظ وضع موجود باشد، تغییر هم هدف تجدیدنظرطلبان خواهد بود. از آنجاکه ساختار داخلی دولت‌های تجدیدنظرطلب با الگوی حاکم روابط در تعارض است و از وضع موجود احساس خطر می‌کنند و یا رنج می‌برند، درصدد تغییر سیستم حاکم برمی‌آیند و امنیت خود را به معنی بهتر شدن موقعیت خود در سیستم تلقی می‌کنند. از آنجاکه اصل اساسی موازنه را می‌توان در گرایش قدرت‌ها به سیاست حفظ وضع موجود، موردسنجش قرار داد (متقی، ۱۳۹۲: ۱۷۶)، چنانچه این تجدیدنظرطلبی از نوع سنتی باشد، هیچ‌گونه چالش اساسی با اصول حاکم در نظم موجود پیدا نخواهد شد. چراکه تحرک ذاتی در توزیع قدرت، یک وضع اجتناب‌ناپذیر در الگوی قدرت و نظم‌های منطقه‌ای است؛ لکن نوع دیگری از تجدیدنظرطلبی تحت عنوان تجدیدنظرطلبی انقلابی، می‌تواند چالش اساسی را در وضع موجود، ایجاد کند. در این حالت نه تنها توزیع قدرت به خطر می‌افتد بلکه ارزش‌های داخلی و ساختارهای دُول مرتبط با وضع موجود را مورد تهدید قرار می‌دهد. این چالش انقلابی، گویای ایدئولوژی سیاسی خاصی است که به صحنه بین‌الملل کشیده می‌شود و آن را به هر گوشه می‌کشد (بوزان، ۱۳۹۰: ۳۲۳-۳۴۲). با عنایت به الگوهای رفتاری متصور در خصوص موازنه‌سازی بر مبنای اصل

موازنه قوا (در پارادایم واقع گرایی و نوواقع گرایی)، نوعی رفتار و اقدام تحت عنوان «دامن زدن» به منشأ و علل قدرت، مطرح می شود آن گونه که دولت ها به طرف قوی تر یا تهدیدکننده تر می پیوندند. این بدان معنی است که دولت های حافظ وضع موجود برخلاف تجدیدنظرطلب، به دنبال ایجاد اتحاد و تمایل به تجميع قدرت هستند تا اینکه نگران امنیت باشند یا بخواهند به موازنه و تعادل قدرت برسند. این دولت ها به طور کلی در برابر تهدیدات، تعادل برقرار نمی کنند؛ بلکه با دامن زدن به مناسبات قدرت، به دنبال جذب قدرت و ارتقاء حاشیه امنیت خواهند بود (Schweller, 2016: 12). والتز استدلال می کرد که دولت ها به طرف ضعیف تر خواهند پیوست؛ زیرا این طرف قوی تر است که آن ها را تهدید می کند. والتز استدلال می کرد که "دامن زدن" بسیار خطرناک است زیرا به دشمن اجازه می دهد قوی تر شود. رندال آل. شولر، بالین حال، اشاره می کند که دولت های تجدیدنظرطلب نیز در این سیستم وجود دارند که برای سرنگونی نظم موجود - وضعیت موجود - کار خواهد کرد. بنابراین، "دامن زدن" ممکن است برجسته تر شود. وقتی دولت های بزرگ نظم بین المللی موجود را با موفقیت به چالش می کشند، دولت های کوچک ممکن است برای تضمین بقای خود با قدرت برتر و در حال افزایش متحد شوند. آن ها اساساً استراتژی مخاطره آمیز برقراری تعادل در برابر دولتی را امتحان نمی کنند که به هر حال می تواند هر کاری را که می خواهد انجام دهد. (Andersen, 2018: 9).

ایده امنیت دسته جمعی را می توان به عنوان محور اصلی نظریه موازنه قوا در رهیافت واقع گرایی دانست. مورگنتا درصدد برآمد تا مفهوم توازن قدرت را از امنیت دسته جمعی متمایز کند. از نظر او موضوع توازن قدرت دارای زیرساخت تحلیلی و مفهومی رئالیستی است. یعنی باید قدرت بازیگر گریز از مرکز کنترل شود. از سوی دیگر تحقق این امر بر اساس تولید قدرت انجام می گیرد. قدرتی که محور اصلی کنش بازیگران خواهد بود. درحالی که امنیت دسته جمعی، با نشانه هایی از ائتلاف، پیوند یافته است (Kutler, 2003: 85).

نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای^۱:

این نظریه با سطح تحلیل منطقه ای برای تجزیه و تحلیل امنیت بین الملل، نوعی فهم منطقه ای محور از امنیت را مطرح می کند (همان: ۱۹۳) و بر اساس آن گروهی از واحدها و دولت ها برای اینکه شرایط مجموعه امنیتی را احراز کنند باید تا حدی به یکدیگر وابستگی متقابل داشته باشند تا بتوانند ضمن حفظ استقلال، مجموعه متحد امنیتی را تشکیل دهند (Hansen, 2000: 9). تقسیم جهان به مجموعه های امنیتی منطقه ای در چهار سطح ملی، منطقه ای، بین المللی و جهانی، چهار سطح تحلیل متفاوت را با یکدیگر پیوند خواهد داد. ۱- تراز داخل دولت با کشورهای منطقه. ۲- تراز روابط دولت با دولت های منطقه. ۳- تراز مجموعه امنیتی منطقه ای با مجموعه امنیتی منطقه ای همسایه. ۴- تراز قدرت های جهانی و نقش آن ها در مجموعه های امنیتی منطقه ای. همچنین ساختار این مجموعه ها دارای چهار رکن و معیار اساسی از قرار زیر است:

ساختار آنارشیک: یعنی حداقل دو یا چند واحد مستقل در مجموعه، فعالیت دارند.

قطبش قدرت: مفهوم قطبش، ساختار توزیع قدرت را در مجموعه امنیتی منطقه‌ای نشان می‌دهد، به‌طوری‌که سه سطح قدرت در قالب مفهوم قطبش، معرفی می‌شود: ابرقدرت، قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای. مرز: بر اساس این نظریه، دولت‌های عایق، مرز میان مجموعه‌های امنیتی بوده و جداکننده آن‌ها از یکدیگرند. ساختار اجتماعی و پیروی از الگوی دوست و دشمن (عبدالله خانی، ۱۳۹۹: ۱۳۹۳-۲۰۰۰).

الگو (نظریه) تهاجم - دفاع:

این نظریه واقع‌گرایی، شرایطی را که به جنگ ختم می‌شود، تشریح و تبیین می‌کند. توضیح اینکه آسانی نسبی حمله و دفاع در ایجاد بی‌ثباتی و جنگ، نقش‌آفرین است. از یک‌سو، پیروزی در حمله، موجب تهدیدآمیز تلقی شدن امکانات دیگران است و از سوی دیگر، پیروزی در دفاع، نگرانی‌های مربوط به تغییر قوای نظامی را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر منطق علی- معلولی این نظریه، بر آسانی نسبی تهاجم یا دفاع در سطوح عالی راهبردی مبتنی است (همان: ۲۰۹). نکته حائز اهمیت در خصوص دامنه این نظریه این است که برخی از صاحب‌نظران علاوه بر تمرکز بر ابعاد نظامی امنیت در سطوح مختلف، عوامل دیگری را همچون جغرافیا، ملی‌گرایی، محبوبیت حاکمیت، استراتژی نظامی، روابط اقتصادی و... را در تعادل و مناسبات این نظریه، دخیل می‌دانند (Evera, 1998: 17). این نظریه ضمن معرفی پدیده‌های مداخله‌گر در جنگ، از جمله توسعه‌طلبی، رقابت تسلیحاتی، اتحادهای استوار و... و بیان توصیه‌های سیاسی به منظور ایجاد توازن تهاجم- دفاع، به کشف ریشه‌های پدیده مداخله‌گری در جنگ نیز می‌پردازد (عبدالله خانی، ۱۳۹۹: ۲۲۵).

موازنه قدرت، ائتلاف‌سازی امنیتی در نظم‌های منطقه‌ای:

موازنه منطقه‌ای یکی از الگوهای امنیت‌سازی در رهیافت واقع‌گرایی، نوواقع‌گرایی و مکتب انتقادی است. باری بوزان دو نوع موازنه را در سازمان‌دهی امنیت منطقه‌ای ارائه می‌دهد. وی بر این اعتقاد است که موازنه قدرت به موازات موازنه هویت انجام می‌گیرد. سازمان‌دهی موازنه منطقه‌ای به‌عنوان یکی از ضرورت‌های امنیتی در شرایط و محیط‌های بحرانی تلقی می‌شود. چنین فرایندی در حوزه غرب آسیا و خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. موازنه منطقه‌ای در شرایطی دارای مطلوبیت است که زمینه‌های بحران‌سازی منطقه‌ای وجود داشته باشد. می‌توان بر این امر تأکید داشت که بحران یکی از واقعیت‌های محیط منطقه‌ای در خلیج فارس و غرب آسیا محسوب می‌شود (متقی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

در شرایط بحران و تضادهای راهبردی، موازنه قدرت از اهمیت ویژه‌ای برای امنیت‌سازی برخوردار است و به‌طورکلی می‌توان سازمان‌دهی موازنه قدرت در محیط‌های منطقه‌ای را به‌عنوان چشم‌انداز بعداً ز جنگ سرد در سیاست بین‌الملل دانست. توازن قدرت به‌عنوان یکی از موضوعات امنیتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود و بین موازنه قدرت در سیاست بین‌الملل و همچنین توازن منطقه‌ای رابطه معنی‌داری وجود دارد (همان: ۱۶۶). با توجه به مفهوم‌پردازی نظم‌ها و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، رهیافت‌های موجود به مدیریت

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای در جهان پس از جنگ سرد، بعضی مواقع مستلزم دخالت ابرقدرت‌ها است و بعضی مواقع این‌گونه نیست. شیوه قدرت‌های بزرگ در هنگام درگیری در نظم منطقه‌ای در طیف متنوعی از رقابت، همکاری و مدیریت مبتنی بر استیلا نوسان دارد (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

رهیافت دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد عبارت است از حفظ تعادل بین جنگ و ثبات. از نظر کی جی هالستی، برخی از صاحب‌نظران مانند کلیفورد و کوهن، به دنبال برقراری رابطه میان تعادل و توازن، جنگ و بحران در منطقه بودند. به عقیده وی یک بحران، بازتاب منافع متعارض بازیگران در یک منطقه است که تلاش می‌کنند فضای منطقه‌ای و جهانی را کنترل کنند (هالستی، ۱۳۸۸: ۴۶۵)؛ بنابراین موازنه قدرت یک امر ضروری در ساختار آناشرشی منطقه است که بازیگرانی با تعارضات فرهنگی، ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک، در آن نقش‌آفرینی می‌کنند و به نظر می‌رسد این توازن منطقه‌ای به سبب واقعیت‌های متعارض در عرصه بین‌المللی رخ خواهد داد و در یک نظام آناشرشیسم، موازنه قدرت برای رسیدن به تعادل یک امر طبیعی است (Shanebrook, 2003: 180). بر همین مبنا، اگر ساختار نظام بین‌الملل دارای بیش از دو قدرت اصلی تصمیم‌گیری باشد، نوعی از دیپلماسی به وجود خواهد آمد که موجب پدیدآمد، حفظ و یا نابودی اتحادها خواهد شد (Holmes & Gan, 2005: 176). در این میان کشورها الزاماً با دولت‌هایی متحد خواهند شد که دارای منافع مشترک هستند و هراس از سایر دُول، زمینه همکاری و ایجاد تعادل بین بازیگران را فراهم می‌سازد (Utgoff, 2002: 98).

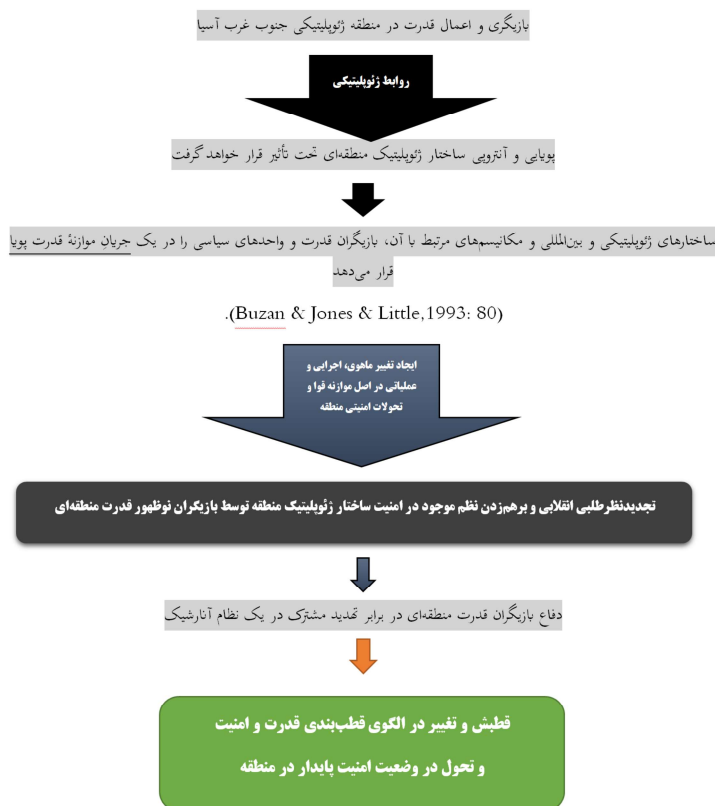
نکته بسیار کلیدی و مهمی که در خصوص موازنه قدرت باید به آن اشاره کرد این است که این موازنه بدون محاسبه نقش قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای مقدور نیست و از سوی دیگر، حفاظت از توازن منطقه‌ای بدون قدرت‌سازی و آمادگی برای دفاع و کسب بازدارندگی کافی، امکان‌پذیر نخواهد بود. در همین راستا، ائتلاف‌ها به وجود می‌آیند و از سوی دیگر، ناپایداری آن‌ها موجب تغییر راهبرد واحدهای سیاسی می‌شود. در یک نظام بر پایه آناشرشی برای عبور از آن، امکان استفاده از نیروهای نظامی؛ در هر زمانی، متصور است و دولت‌ها باید برای آن آماده بوده و از بازدارندگی مناسب برخوردار باشند (Ikenberry, 2009: 156). در نگاهی دیگر، واقع‌گرایان می‌گویند به دلیل اینکه حکومت‌ها در پی به حداکثر رساندن قدرت و امنیت هستند، به همکاری با سایرین تن نخواهند داد. نهادگرایان با تأکید بر نقش نهادها در شکل‌دادن به منافع و اقدامات دولت‌ها، به همکاری قاعده‌مند کشورها تأکید دارند و سازه‌انگاران معتقدند، امنیت‌سازی منطقه‌ای متأثر از عوامل هنجاری و هویتی است (Tilebein, 2006: 1095). به‌طورکلی از دیدگاه واقع‌گرایی، دو ره یافت برای کنترل ناامنی ارائه می‌شود. یکی موازنه قدرت که در آن کشورها برای حفظ موازنه قوا به اتحادهایی منعطف برای جلوگیری از ظهور قدرت جدید، روی می‌آورند و دیگری، بازدارندگی که مبتنی بر تهدید یا قوه قهریه و درگیری است (McGlinchey & others, 2017: pp.30-18).

ایده امنیت دسته‌جمعی را می‌توان به‌عنوان محور اصلی نظریه موازنه قوا در ره یافت واقع‌گرایی دانست. مورگنتا

درصد درآمد تا مفهوم توازن قدرت را از امنیت دسته‌جمعی متمایز کند. از نظر او موضوع توازن قدرت دارای زیرساخت تحلیلی و مفهومی رئالیستی است. یعنی باید قدرت بازیگر گریز از مرکز کنترل شود. از سوی دیگر تحقق این امر بر اساس تولید قدرت انجام می‌گیرد. قدرتی که محجور اصلی کنش بازیگران خواهد بود. درحالی که امنیت دسته‌جمعی، با نشانه‌هایی از ائتلاف، پیوند یافته است (Kutler; 2003: 85).

با توجه به مبانی و نظریات ذکرشده، عملکرد محور مقاومت پس از انقلاب اسلامی ایران و حمایت‌ها و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نظریه سطوح ساختاری فضا، تجدیدنظرطلبی قدرت‌ها، الگو و طیف منازعه قدرت‌ها، در رابطه به تبیین نقش آن‌ها در امنیت ساختار ژئوپلیتیکی جنوب غرب آسیا، قابل طرح و بررسی است. مدل مفهوم زیر ترکیب نظریات ذکرشده را در ارتباط با تحولات ساختار ژئوپلیتیک بیان می‌کند:

فرا مد تحولات ایتی منطقه



(توسیم از نگارنده)

فعالان، فرماندهان و راهبردها، شاخص‌ها و ابعاد نظرات ایشان احصا و مورد تحلیل قرار گرفته است

روایی و پایایی پرسش‌نامه و سؤالات مصاحبه

روایی آزمون عبارت است از توانایی ابزار موردنظر در اندازه‌گیری صفتی که آزمون برای اندازه‌گیری آن ساخته شده است که در این پژوهش ما از روایی منطقی – محتوایی است که در این حالت کمیت و کیفیت سؤالات زیر نظر استادان راهنما و مشاور موردبررسی قرار گرفت و تأیید شد. همچنین روایی این تحقیق به ده نفر از کارشناسان خبره ارائه و مورد تأیید ایشان نیز قرار گرفته است و پایایی یک وسیله اندازه‌گیری عمده‌تاً به دقت نتایج حاصل از آن اشاره می‌کند. پایایی به دقت، اعتمادپذیری، ثبات، یا تکرارپذیری نتایج آزمون اشاره می‌کند.

روش‌های تعیین پایایی متنوعند و به این شرح دسته‌بندی می‌شوند: روش بازآزمایی، روش فرم‌های هم‌ارز، روش همسانی درونی (دو نیمه کردن، روش کودر – ریچاردسون و ضریب آلفای کرونباخ) که در این پژوهش با توجه به نوع کیفی آن، برای تعیین پایایی آزمون روش و فرمول هولستی، بهره گرفته شده است. فرمول این روش به شرح زیر است:

$PAO = 2A / (nA + nB)$. در این فرمول، PAO به معنی درصد توافق مشاهده‌شده، A تعداد توافق بین دو کدگذار و nA و nB به ترتیب تعداد واحدهای کدگذاری شده از سوی کدگذاران A و B است. این رقم از صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل)، متغیر است (محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

۱- تعداد مؤلفه‌های مشترک مورد تأیید دو نظریه دهنده خبره $A =$

۲- تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبره اول $nA =$

۳- تعداد مؤلفه‌های مورد تأیید و نظر نظریه دهنده خبره د $nB =$

۴- $PAO = 2 * (65) / (98 + 65) = 0.67$

نظر به اینکه بر اساس فرمول محاسبه‌شده عدد ۰٫۹۸ به دست آمده و عدد مذکور بیش از ۰٫۷ است، بنابراین نتیجه حاصله از پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده در این پژوهش با توجه به اینکه از نوع عبارات و واژه‌ها هستند و از روش تحلیل محتوا موردبررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند، از نوع داده‌های کیفی هستند. در این پژوهش از میان ۹ پرسش انجام شده از تعداد ۲۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان، تعداد ۵۲۰ داده مرتبط با سه سؤال پژوهش احصاء شده است.

جدول شماره ۱- مشخصات کلی داده‌های تحقیق

ردیف	تعداد سؤالات	تعداد مصاحبه‌شوندگان	تعداد داده (X)
۱	۶	۲۷	۵۲۰

همان‌طور که در این جدول مشخص شده است تعداد ۵۲۰ داده (X) در نقش محور مقاومت در حوزه موازنه قدرت، تحولات امنیتی و تحولات و امنیت ساختار ژئوپلیتیک منطقه، استخراج شده است. با بررسی این داده‌ها، مفاهیم -Y ها (شاخص‌های) مرتبط با آن‌ها به دست آمد؛ از این‌رو تعداد ۳۶ مفهوم (شاخص) مرتبط با حوزه‌های پیش‌گفته و سؤالات تحقیق، به دست آمده و استخراج شده است. گفتنی است در این بررسی، با توجه به اینکه داده‌های ما از نوع کیفی هستند و بررسی صرفاً کمی در دست‌ورکار قرار نگرفته است، برخی از داده‌ها در شاخص‌های متعددی، تکرار شده‌اند که این امر نشانه اهمیت و یا چندبعدی بودن مفهوم یک داده است.

جدول شماره ۲- مشخصات مفاهیم (شاخص‌های) پژوهش

ردیف	مفاهیم (شاخص‌ها)	فراوانی	شناسه
۱	موجب ایجاد قطب‌بندی جدید امنیتی شده است.	۲۵	Y1
۲	سبب تشکیل ساختارهای نوظهور امنیتی شده است	۱۹	Y2
۳	در بحران امنیتی منطقه، نقش سازنده دارد.	۱۵	Y3
۴	جنگ‌افروزی را کنترل کرده است.	۱۷	Y4
۵	یکی از اقطاب تنازع و هم‌اوردی در منطقه شده است.	۴۰	Y5
۶	اتتلاف‌های جدید امنیتی تشکیل شده است.	۲۶	Y6
۷	موجب شکل‌گیری الگوهای جدید امنیتی در منطقه شده است.	۱۰	Y7
۸	الگوی دوست - دشمن در منطقه ایجاد شده است.	۷	Y8
۹	نظم امنیتی قبلی را از بین برده و نظم امنیتی جدید ایجاد شده است.	۲۰	Y9
۱۰	منطقه‌گرایی نوینی را موجب شده است.	۱۳	Y10
۱۱	تحولات امنیتی منطقه را پویاتر و تسریع کرده است.	۲۵	Y11
۱۲	ضرورت دخالت و حضور قدرت‌های بزرگ جهانی در منطقه احساس می‌شود.	۹	Y12
۱۳	منطقه نیازمند کنسرت و ائتلاف قدرتهاست که در رفتار بازیگران مشخص است.	۱۰۷	Y13
۱۴	امنیت‌سازی در دستور کار کشورهای منطقه قرار گرفته است.	۲۶	Y14
۱۵	در امنیت‌سازی توفیق زیادی نداشته است.	۱۵	Y15

ردیف	مفاهیم (شاخص‌ها)	فرآوانی	شناسه
۱۶	امنیت ساختار ژئوپلیتیک منطقه را متأثر و حتی متحول ساخته است.	۱۱۱	Y16
۱۷	مؤثر در شکاف‌ها و گسل‌های امنیتی منطقه	۲۷	Y17
۱۸	امنیت پایدار را در منطقه برقرار کرده است.	۱۹	Y18
۱۹	در ایجاد امنیت پایدار فراگیر زیاد موفق نبوده است.	۷۶	Y19
۲۰	مرزهای امنیتی کشورها تغییر کرده است.	۱۱	Y20
۲۱	بازیگران جدید امنیتی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای را وارد میدان کرده است.	۳۲	Y21
۲۲	موجب برقراری امنیت پایدار و همه‌جانبه در مرزهای ایران و کشورهای همپیمان با ایران شده است.	۴	Y22
۲۳	نوعی گفتمان‌سازی (ایدئولوژیک) امنیتی را دستورکار قرار داده است.	۲۲	Y23
۲۴	بحران‌های امنیتی منطقه را کنترل کرده است.	۷	Y24
۲۵	سبب افزایش تهدیدهای امنیتی شده است.	۱۷	Y25
۲۶	توان دفع تهدیدهای امنیتی را دارد.	۳۳	Y26
۲۷	علت و عامل موازنه تهدید در منطقه است.	۱۶	Y27
۲۸	افزایش هزینه تأمین امنیت در منطقه	۲۴	Y28
۲۹	بازیگر مهم و مؤثر و اساسی در مناسبات امنیتی منطقه است.	۱۷	Y26
۳۰	تشکیل ائتلاف‌های ایدئولوژیک و گفتمانی در منطقه	۲۷	Y30
۳۱	مؤثر در ثبات سطوح قدرت در منطقه	۵۴	Y31
۳۲	مسبب افزایش قدرت نظامی شیعیان و محور مقاومت در تقابل با محور سازش و غرب است.	۳۷	Y32
۳۳	در بعد نظامی توانسته رفع تهدید کند.	۴۲	Y33
۳۴	شکل‌گیری ائتلاف نظامی در منطقه	۱۱	Y34
۳۵	تضعیف امنیت ایران و کشورهای همپیمان در محور مقاومت	۲۲	Y35
۳۶	افزایش تهدید علیه ایران و محور مقاومت رقم خورده است.	۳۰	Y36
جمع		۱۰۱۳	

درنهایت با بررسی و تحلیل این شاخص‌ها، در مرحله بعدی، تعداد ۹ مؤلفه (Z)، احصاء شده است. این مؤلفه‌ها نیز در حوزه‌های متناظر با سؤالات تحقیق هستند و در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. گفتنی است در استخراج این مؤلفه‌ها نیز، شاخص‌های مشابه و تکراری به دلیل اهمیت و یا اشتراک مفهومی، وجود دارد.

جدول شماره ۳- مشخصات مؤلفه‌های پژوهش

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	شناسه
۱	بازیکر مهم و اصلی امنیت و موازنه قدرت در منطقه	۴۵۸	Z1
۲	ایجاد و افزایش تهدید در منطقه و بازدارندگی و تعادل در برابر تهدیدها	۴۳۶	Z2
۳	ورود بازیگران جدید قدرت و امنیت در منطقه و تحول در میدان عمل بازیگران	۴۴۵	Z3
۴	ناپایداری امنیت در منطقه، ایجاد و تشدید بحران‌های امنیتی، تنازع و جنگ	۳۷۰	Z4
۵	برقراری امنیت پایدار و کنترل بحران‌های امنیتی	۲۷۷	Z5
۶	افزایش قدرت نظامی و بازدارندگی نظامی	۲۵۲	Z6
۷	افزایش دشمنی‌ها و تنگناها و تشکیل ائتلاف علیه ایران و هم‌پیمانانش در منطقه	۲۴۸	Z7
۸	ایجاد قطب‌بندی و ائتلاف‌های امنیتی	۱۷۵	Z8
۹	گفتمان‌سازی ایدئولوژیک و تشکیل الگوهای جدید امنیتی و امنیت‌سازی	۸۵	Z9
جمع		۲۷۴۶	

با بررسی این مؤلفه‌ها، ابعاد اصلی و کلیدی پژوهش که مرتبط با نقش محور مقاومت در تحولات امنیتی منطقه است، به دست می‌آید. این ابعاد کلیدی (o) در قالب دو بُعد اصلی، در جدول شماره ۴، نشان داده شده است.

جدول شماره ۴- ابعاد کلیدی پژوهش

ردیف	کدگذاری انتخابی	ابعاد	فراوانی	شناسه
۳	$Z1+Z2+Z4+Z5+Z6+Z7$	اثرگذاری در امنیت پایدار در منطقه	۲۰۴۱	O1
۶	$Z3+Z8+Z9$	امنیت‌سازی نوین و معرفی بازیگران جدید امنیتی در منطقه	۷۰۵	O2
جمع کل فراوانی داده‌ها در ابعاد			۲۷۴۶	

با بررسی ابعاد و مؤلفه‌های آن، میزان تأثیر محور مقاومت و نقش‌آفرینی آن در هر بُعد و مؤلفه، مشخص خواهد شد. این میزان اثرگذاری، در جداول شماره ۵ و ۶، بیان شده است.

جدول شماره ۵- مشخصات مؤلفه‌های بُعد اول پژوهش " اثرگذاری در امنیت پایدار در منطقه "

ردیف	مؤلفه‌های بُعد اول " اثرگذاری در امنیت پایدار در منطقه "	تعداد	درصد فراوانی مؤلفه به فراوانی کل بُعد مربوطه (۲۰۴۱)	درصد فراوانی مؤلفه به فراوانی کل ابعاد (۲۷۴۶)
۱	بازیگر مهم و اصلی امنیت و موازنه قدرت در منطقه	۴۵۸	۲۲,۴۳۹	۱۶,۶۷
۲	ایجاد و افزایش تهدید در منطقه و بازدارندگی و تعادل در برابر تهدیدها	۴۳۶	۲۱,۳۶۲	۱۵,۸۲
۳	ناپایداری امنیت در منطقه، ایجاد و تشدید بحران‌های امنیتی، تنازع و جنگ.	۳۷۰	۱۸,۱۲۸	۱۳,۵۰
۴	برقراری امنیت پایدار و کنترل بحران‌های امنیتی	۳۷۷	۱۳,۵۷۱	۱۰
۵	افزایش قدرت نظامی و بازدارندگی نظامی	۲۵۲	۱۲,۳۴۶	۹,۲۷
۶	افزایش دشمنی‌ها و تگناها و تشکیل ائتلاف علیه ایران و همپیمانانش در منطقه	۲۴۸	۱۲,۱۵۰	۹,۰۳
جمع		۲۰۴۱	۱۰۰	۷۴,۳

جدول شماره ۶- مشخصات مؤلفه‌های بُعد دوم پژوهش " امنیت‌سازی ین و معرفی بازیگران

جدید ا تی در منطقه "

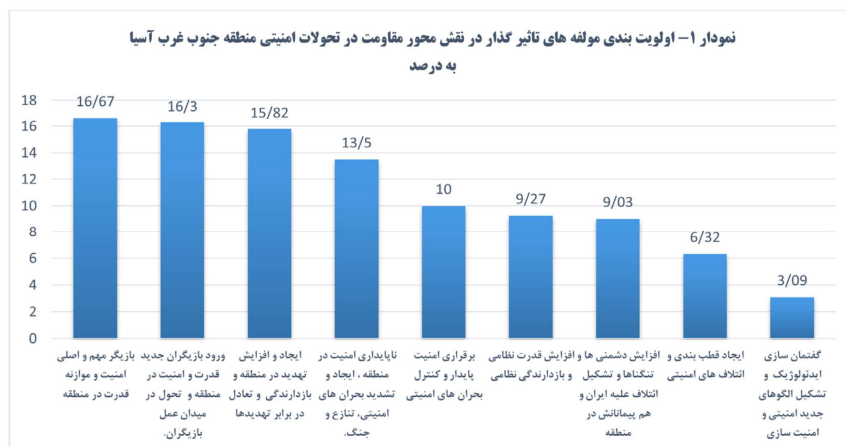
ردیف	مؤلفه‌های بُعد دوم " امنیت‌سازی نوین و معرفی بازیگران جدید امنیتی در منطقه "	تعداد	درصد فراوانی مؤلفه به فراوانی کل بُعد مربوطه (۷۰۵)	درصد فراوانی مؤلفه به فراوانی کل ابعاد (۲۷۴۶)
۱	ورود بازیگران جدید قدرت و امنیت در منطقه و تحول در میدان عمل بازیگران.	۴۴۵	۶۳,۱۲۰	۱۶,۳۰
۲	ایجاد قطب‌بندی و ائتلاف‌های امنیتی	۱۷۵	۲۴,۸۲۲	۶,۳۲
۳	گفتمان‌سازی ایدئولوژیک و تشکیل الگوهای جدید امنیتی و امنیت‌سازی	۸۵	۱۲,۰۵۶	۳,۰۹
جمع		۷۰۵	۱۰۰	۲۵,۷

به استناد داده‌ها و تحلیل استخراج شده، از میان ۵۲۰ داده اولیه، تعداد ۳۶ شاخص کلی مرتبط با تحولات امنیتی احصاء شد که در نهایت این شاخص‌ها به نه مؤلفه و دو بُعد کلیدی منجر گردید. با بررسی مؤلفه‌های این ابعاد، مشخص شد که محور مقاومت با تخصیص ۱۶/۶۷٪ از داده‌های نهایی به خود، در

حوزه بازیگری امنیتی در منطقه، بیشترین نقش آفرینی را دارد. در رتبه بعدی با تخصیص $۱۶/۳۰\%$ داده‌ها، زمینه ورود بازیگران امنیتی جدید در منطقه را فراهم کرده و در گسترش یا کاهش دامنه نفوذ بازیگران قدرت منطقه‌ای نقش داشته است. همچنین با توجه به اینکه $۱۵/۸۲\%$ داده‌ها گویای این امر است که فعالیت محور مقاومت نوعی تعادل تهدید را نیز رقم زده است و از سوی دیگر $۱۳/۵\%$ داده‌ها گویای این هستند که عملکرد محور مقاومت، در امنیت پایدار منطقه مؤثر بوده است و نیز $۹/۰۳\%$ داده‌ها مؤید افزایش دشمن علیه ایران و این محور است، می‌توان گفت، این محور، اصلی‌ترین بازیگر قدرت و امنیت در منطقه است؛ اما با توجه به اینکه ۱۰% داده‌ها، به توان محور مقاومت در کنترل بحران‌های امنیتی و $۹/۲۷\%$ از داده‌ها به افزایش قدرت نظامی و بازدارندگی نظامی آن اذعان کرده‌اند، در مجموع $۱۹/۷\%$ داده‌ها بر توانمندی و قدرت بازدارندگی این محور، صحنه گذاشته که قابل توجه است. از طرف دیگر $۳/۰۹\%$ داده‌ها گویای گفتمان‌سازی ایدئولوژیک و تشکیل الگوهای جدید امنیتی و امنیت‌سازی در منطقه هستند و به همین دلیل امکان محدودی در ائتلاف‌سازی امنیتی داشته که در آمار $۶/۳۲\%$ درصدی داده‌ها، قابل تأیید است؛ بنابراین می‌توان این گونه ادعا کرد که محور مقاومت با وجود اینکه بازیگر اصلی امنیتی در منطقه است و قدرت بازدارندگی نسبی خوبی دارد اما به دلیل فراهم نبودن شرایط مناسب اقتصادی، فرهنگی و بحران‌های متناظر با آن‌ها، دخالت قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای در منطقه جنوب غرب آسیا، موجب شده است تا در نهادینه‌سازی گفتمان خود در حوزه امنیتی و امنیت‌سازی و از طرفی راهبردهایی که منبث از گفتمان اصلی محور مقاومت است، در مناسبات و تحولات امنیتی منطقه، نظم امنیتی مطلوب، امنیت‌سازی قوی و امنیت پایدار، نتیجه مورد انتظار را نداشته باشد. در جدول شماره ۷ و نمودار آن، میزان ارجحیت و اولویت نقش محور مقاومت در این تحولات، تشریح شده است.

جدول شماره ۷- اولویت‌بندی مؤلفه‌های برگذار در نقش محور مقاومت در تحولات امنیتی منطقه جنوب غرب آسیا

ردیف	ابعاد	مؤلفه	درصد
۱	اثر گذاری در امنیت پایدار در منطقه	بازیگر مهم و اصلی امنیت و موازنه قدرت در منطقه	۱۶٫۶۷
۲	امنیت‌سازی نوین و معرفی بازیگران جدید امنیتی در منطقه	ورود بازیگران جدید قدرت و امنیت در منطقه و تحول در میدان عمل بازیگران.	۱۶٫۳۰
۳	اثر گذاری در امنیت پایدار در منطقه	ایجاد و افزایش تهدید در منطقه و بازدارندگی و تعادل در برابر تهدیدها	۱۵٫۸۲
۴	اثر گذاری در امنیت پایدار در منطقه	ناپایداری امنیت در منطقه، ایجاد و تشدید بحران‌های امنیتی، تنازع و جنگ.	۱۳٫۵۰



نتیجه

- در پاسخ به سؤال پژوهش، می توان موارد زیر را بر اساس یافته ها و تجزیه و تحلیل انجام شده ارائه داد:
- محور مقاومت، با اقدامات و راهبردهای خود، توانسته است خود را به عنوان بازیگر اصلی، مهم و اساسی در منطقه جنوب غرب آسیا، معرفی کند و نقش مهمی در قطبش قدرت و موازنه امنیتی و تعادل قوا و تحدید داشته باشد؛ از این رو می تواند در همه معادلات و مناسبات قدرت و امنیت، در هرم قدرت منطقه، نقش مطلوبی را احراز کند.
 - محور مقاومت در گفتمان سازی ایدئولوژیک در حوزه امنیتی و توسعه آن، نیازمند یکپارچگی کامل است و از این منظر، ضروری است بر نقش محوری آن تأکید گردد.
 - عملکرد محور مقاومت برای ارتقاء قدرت بازدارندگی مطلوب بوده و توانسته است به نوعی تهدیدهای منطقه ای و جهانی را دفع کند و ضروری است که این قدرت بازدارندگی، با توجه با ماهیت نقش آفرینی و تداوم آرمان هایی که منجر به تجدیدنظرطلبی انقلابی قدرت در منطقه شده است، افزایش و تداوم یابد.
 - راهبردهای محور مقاومت در امنیت سازی منطقه ای و نیز اقدام آن برای ورود بازیگران جدید امنیت و قدرت در منطقه، نیازمند توسعه و تقویت همه جانبه در ابعاد مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی است.
 - ضروری است در نوع عملکرد این محور و متناسب سازی آن با واقعیات ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی، کدها و سیاست های متناسب اتخاذ گردد تا حداکثر بهره برداری از موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و نیز توانمندی بالای محور مقاومت، به عمل آید.
 - برای اینکه محور مقاومت بتواند در هرم قدرت و نیز مناسبات منطقه ای، نقش اساسی را ایفا کند، لازم است با دیپلماسی فعال منطقه ای در فضای پیرامونی نزدیک، نسبت به ارتقاء وزن ژئوپلیتیکی آن گام بردارد.
 - در حوزه تمهیدات امنیتی و اطلاعاتی و حفاظتی، ایجاد و توسعه و تقویت نهادهای امنیتی و یکپارچه سازی آنها، امری ضروری است.

منابع

- آدمی، علی، کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴) جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱-۱۹.
- آل غفور، م.ت (۱۳۸۰)، **خاستگاه فرهنگ سیاسی ایران معاصر**، فصلنامه سیاست، سال چهارم، شماره ۱۶، صص ۳۵-۶۰.
- بوزان، باری (۱۳۸۱)، **خاورمیانه ساختاری همیشه کنش‌زا**، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۳، صص ۶۳۳-۶۸۰.
- بوزان، باری؛ ویور، الی (۱۳۸۸) **مناطق و قدرت‌ها**، ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۹۰) **مردم، دولت‌ها و هراس**، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹) **ریه ساختار ژئوپلیتیکی در حال ظهور جهان**، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۶ شماره ۳، چاپ ۱۹، پاییز ۱۳۸۹، صص ۸-۱.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۳) **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: انتشارات پاپلی.
- حشمت‌زاده، م (۱۳۸۷)، **تأثیر انقلاب اسلامی ایران و کشور همسایه**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خراسانی، صدیقه؛ متقی، ابراهیم و بای، عبدالرضا (۱۳۹۹)، **قطبی‌شدن امنیت منطقه‌ای و ژئوپلیتیک آشوب در خاورمیانه**، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۲۳، شماره ۸۹، بهار ۱۳۹۹، صص ۴۹-۷۸.
- رسولی ثانی آبادی، الهام، روستایی، مجتبی (۱۳۹۸) **مؤلفه‌های تهدید و ارباب اعراب و اسرائیل در برابر محور مقاومت**، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۹۷، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۱۳-۱۲۴.
- سلیمانی، باقر، اسماعیل‌زاده، علی (۱۳۹۹)، **ضرورت و چگونگی حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و محور مقاومت با تأکید بر منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی**، دو فصلنامه تربیت پاسدار انقلاب اسلامی شماره ۱۹، دوره ۹.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۹)، **نظریه‌های امنیت**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر ایران.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، **ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی**، مجله آفاق امنیت شماره ۳۸، دوره ۱۱.
- قربانی، مصطفی، غفاری، سلیمان، کارگر شورکی، علی (۱۳۹۹) **راهبرد نگاری نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت با تحلیل SWOT**، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۱، پیاپی ۳۳، بهار

۱۳۹۹، صص ۱۵۵-۱۷۶.

- کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۷) امنیت زیست‌یطی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کوهن، سائول برنارد (۱۳۸۷) ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر ایران.
- لطیفیان، سعیده (۱۳۹۱) استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- لیک، دیوید ای، مورگان، پاتریک ام (۱۳۸۱)، نظم‌های منطقه‌ای - امنیت‌سازی در جهانی نوین، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مبینی، محمد، قاسمی، بهزاد (۱۳۹۸)، دستاوردهای مقاومت اسلامی لبنان در منظومه فکری یدحسین نصرالله و تاثیر آن بر امنیت محور مقاومت، فصلنامه علمی پژوهشی آفاق امنیت شماره ۴۴، دوره ۱۲
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۲)، تحول رهیافت موازنه قدرت در نظم‌های منطقه‌ای: هویت‌گرایی در برابر ساختارگرایی، فصلنامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۲، صص ۱۶۵-۱۹۲.
- متقی، افشین، رشیدی، مصطفی (۱۳۹۲)، تبیین ژئوپلیتیکی الگوی اسلام‌گرایی در جهان اسلام از منظر برساخت‌گرایی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۲، صص ۱۰۹-۱۲۸.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۴۰۰) جغرافیای یاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ نهم، تهران: سمت.
- محمدی مهر، غلامرضا (۱۳۸۷)، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران، انتشارات گنجینه علوم انسانی - دانش نگار.
- هالستی، کی جی (۱۳۸۸)، جانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ ششم.

منابع خارجی:

- Abatudu, M. (2001), *Reflections on Early 21st Century Africa*, In Adesida O. and Oted Eds. *Africa Voices and Africa Visions*, ed. Upsala: The Nordsic African Institute..
- Andersen, Morten Skumsrud. (2018), *The Balance of Power*, *The Eneyclopedia of Diplomacy*, Edited By Gorden Martel. Pp: 1-12 (6 AAUG 2018), Norway: NUPI.
- Busby, Joshua W. (2009), *Climate Cange National Security, An Agenda for Action*. Council on Foreign Relation S. Publisher, Council on Foreign Relation Press.
- Buzan, Barry, Charles, Jones, Richard, Little. (1993), *The Logic of Anarchy*. New York, Columbia University Press. Pp: 36-135.
- Buzan, Barry, Waeve, Ole, Wild, Jap. D. (1998), *Security: A New Framework For*

Analysis, London: Lynne Rinner: 1998.

- Colucci, Lamont. (2018), **Bewar Irans Axis Of Resistance**, at: www.usnews.com, Feb.23,2018.
- Evera, Van, Stephen. (1998), **offense – Defense and The Causes of War**, International Security, Vol.12.No.4. (Spring,1998).
- Friedman, George. (2011), **Syria, Iran and the balance of Power in the Middle East**, 22, dec 2011, www.trafor.com.
- Hansen, Birthe. (2000), **Unipolarity and The Middle East**, Richmond: Curzon,2000.
- Heidari, G. (2005), **Outlook of World's Geopolitics in the twenty frsth Century**, International Security Book3, Oportunitis, threat and challenge for Islamic Republic of Iran. Tehran: Abrar Moaser Tehran Publications. [in Persian].
- Holmes, R & B. Gan. (2005), **Nonviolence in Theory and Practice**, Long Grove: Wave Land Press.
- Ikenberry, G. John. (2002), **America Unrivaled: The Future of The Balance of Power**. Ithaca, N.Y: Cornell University Press.
- Jolly, R & Basuray, D. (2007), **Human Security: National Perspectives and Global Agendas**, Journal of International Development, Vol 19.
- Kirschner, Adele J. Tiroch, Katrin. (2012), **The Water of Euphrates and Tigris: An International Law Perspective**. International Negotiation, Volume14, Issue2, tmay2009, Pages: 301 – 361.
- Kutler, Staley. (2003), **Dictionary of American History**, London: Tomson Gale Publifhing.
- Mc Glinchey, Stephen & Waltera, Rosie & Scheinpflug, Christian. (2017), **International Relations Theory**. International Relation Publishing, Bristol. England.
- Nikola, Martin. (2014), **Political Participation and Governance Effectiveness: Does Participation Matter?** Journal of Charles University. No, 12.
- Schweller, Randall. L. (2016), **The Balance of Power in World Politics**, Oxford Research Encyclopedias. Politics Publisher: Oxford University Press, 20 June 2016.
- Shanebrook J. & Richard Halting. (2003), **Proliferation of Long-Range Ballistic**

- Missiles, Bulletin of Science Technology & Society.
- Soltaninejad, Mohammad. (2018), **Coalition-Building in Iran's Foreign Policy: Understanding the 'Axis of Resistance'**, Journal of Balkan and Near Eastern Studies, DOI: 10.1080/19448953.2018.150629. 06 Sep 2018.
 - Tilebein, Meike. (2006), **Complex Adaptive Systems Approach to Efficiency and Innovation**, Kybernetes. Vol,35,No.718.
 - Utgoff, Victor. (2002), **Poliferation, Missile Defense and American Ambitions**, Survival 44(2): 85-102.